

تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۰۵/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۷/۲۰

مشارکت سیاسی زنان در موج بیداری اسلامی: حق یا تکلیف؟

فائزه عظیم زاده اردبیلی^{*۱}

۱- استاد دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، تهران، ایران.

چکیده

فعالیت‌های سیاسی زن مسلمان بر حسب عرف‌ها و شیوه‌های رایج صدر اسلام با شکل و شیوه‌های فعالیت‌های سیاسی بانوان در جامعه امروزی تفاوت دارد. آنچه به عنوان عنصرهای بارز فعالیت‌های سیاسی زنان صدر اسلام در تاریخ مشاهده می‌شود، حضور بانوان در صحنه‌های جهاد، هجرت ایشان در جهت حفظ دین، بیعت با رسول گرامی (ص)، دفاع از ولایت و اعتراض به حاکمان وقت بوده و این حضور فعال مورد تأیید رسول خدا (ص) و ائمه اطهار (ع) واقع شده و این تأیید اصل جواز حضور زن در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی را اثبات کرده ولی شکل و قالب فعالیت‌های بانوان در جامعه امروز به تناسب شکل و نهاد جامعه و راه‌های اظهار نظر سیاسی و شرایط جامعه با فعالیت‌های سیاسی زنان صدر اسلام و اعصار پیشین متفاوت است. در عصر حاضر به ویژه در نهضت بیداری اسلامی مشارکت سیاسی زنان مسلمان را در زمینه‌های مختلف می‌توان تحلیل کرد همچون مشارکت آنان در فرایند استمرار و پیروزی نهضت بیداری، مشارکت آنان در همه‌پرسی، انتخابات، مشارکت در صحنه‌های مبارزه علیه حکام جور، شرکت در تجمعات سیاسی، حضور در فعالیت‌های اجرایی و نهادهای تصمیم‌گیرنده سیاسی و مشارکت سیاسی برای زنان تنها یک حق اجتماعی است یا در بعضی موارد یک تکلیف شرعی است؟ آیات و روایات و سیره معصومین (ع) در این خصوص چه می‌فرمایند؟

واژگان کلیدی: مشارکت، سیاست، تعامل دو رویکرد حق محور و تکلیف محور، حق، تکلیف.

Email : faeze – ardebily @gmail.com

*۱ ایمیل نویسنده

مقدمه

از ویژگی‌های اجتماعی نظام حقوقی اسلام این است که به انسان آزادی توأم با مسئولیت داده است، یعنی از یک سو خداوند انسان را در برابر هدایتش که توسط انبیا ابلاغ شده آزاد گذاشته است که بپذیرد یا نه «وَقُلِّ الْحَقُّ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ»^۱ و بگو دین همان است که از سوی پروردگار شما آمد، پس هر کس می‌خواهد ایمان آورد و هر کس می‌خواهد کافر شود؛ از سوی دیگر به انسان گوشزد می‌شود که گرچه در انتخاب مسیر زندگی آزاد است، ولی باید توجه داشته باشد که هر نوع رفتار اختیاری که از او سر بزند در سرنوشت زندگی دنیوی و اخروی او تأثیر دارد و باید در برابر رفتار اختیاری خود پاسخگو باشد.

با توجه به این که جامعه مجموعه‌ای است که هر رفتاری که از اعضای آن سر بزند در سرنوشت دیگران تأثیر دارد در نظام حقوقی اسلام، مسلمان نه تنها نمی‌تواند نسبت به مسائل جامعه به خصوص مسائل سیاسی آن بی‌تفاوت باشد، بلکه از مسلمان خواسته شده که مراقب اوضاع سیاسی باشد و برای هدایت جریان‌های سیاسی به سمتی که موجب کمال و رشد جامعه می‌باشد، مشارکت نماید. به عنوان نمونه امام علی (ع) در نامه‌ای این احساس و ضرورت مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی را چنین بیان می‌فرماید: یکی از واجبات الهی و اسلامی بر مسلمانان این است که بعد از مرگ رهبرشان یا کشته شدن او... اقدام به هیچ کاری نکنند... مگر این که برای خودشان رهبری بزرگ و برجسته انتخاب کنند.^۲ زنان هم به عنوان نیمی از پیکر جامعه اسلامی در تمامی مراحل تولد، رشد، بلوغ و شکوفایی یک جامعه حضور دارند. زن به عنوان یک شهروند باید حضور حداکثری داشته باشد. مشارکت سیاسی زنان یک وظیفه اجتماعی است و آنان مکلفاند با عمل به این وظیفه در تعیین سرنوشت سیاسی - اجتماعی خود نقش مؤثری ایفا نمایند.

بررسی قلمرو مشارکت سیاسی

برای بررسی قلمرو معنایی مشارکت سیاسی ابتدا باید دو واژه مشارکت و سیاست را تعریف کرد و به یک مفاهمه مشترک از این دو مقوله رسید.

الف - مفهوم مشارکت

- معنای لغوی

در ادبیات عرب، مشارکت از باب مفاعله است و احساس همکاری و تعامل دو طرفه را می‌رساند. در معنای لغوی مشارکت آمده است که مشارکت یعنی باهم شریک شدن و شرکت کردن باهم.^۳

در لغت نامه دهخدا آمده است: مشارکت یعنی انبازی داشتن، شریک دادن، شریک ساختن.^۴

معنای اصطلاحی

برخی مشارکت را آگاهی شرکت و تأثیرگذاری بر فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در جامعه می‌دانند. به عبارتی مشارکت را یک فرایند دو سویه می‌دانند که در آن بخشنامه، ابلاغ و یا زور وجود ندارد. در هر صورت مشارکت را نمی‌توان ابلاغ کرد و یا درخواست نمود، بلکه باید بستر مناسب و زمینه لازم برای ایجاد و تقویت انگیزه در افراد به وجود آید تا مشارکت محقق شود.^۵

رواج مفهوم مشارکت در دو دهه اخیر از آن جاست که، به نظر منتقدان، بزرگی و پیچیدگی جامعه بوروکراسی و تمرکز قدرت اقتصادی پایه ضمانت‌های سنتی و دمکراسی را برای حفظ حقوق افراد سست کرده و این ضمانت‌ها می‌بایست تقویت و گسترده شود از این‌رو تنها مشارکت مستقیم افراد در تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند حقوق و آزادی‌های آنان را حفظ کند.^۶

ب - مفهوم سیاست

معنای لغوی

سیاست مصدر ساس است و در زبان عربی به معنای تربیت اسب است^۷ (ساسه الفرس)

در معجم مصطلحات و الفاظ فقهیه آمده است: «السیاسه تعنی القیام علی شیء و تصرف فیہ بما یصلحه».^۸

یعنی قیام برای چیزی و تصرف در آن برای آنچه که صلاحیتش را دارد.

در فرهنگ عمید نیز سیاست این گونه معنا شده است: سیاست یعنی اداره کردن امور مملکت، اصلاح امور خلق و امور داخلی و خارجی کشور، رعیت داری کردن.^۹

دهخدا نیز این چنین آورده است که سیاست یعنی پاس داشت ملک، نگاه داشتن، حکم راندن بر رعیت، حکومت و ریاست و داوری.^{۱۰}

در زبان سیاسی اسلام، سیاست از ریشه ساس یسوس گرفته شده و معانی آن عبارتند از حکومت، ریاست، تنبیه، پرورش، مصلحت کردن و حراست و به نظر می رسد، مفهوم اصلی و حقیقی این واژه همان پرورش و پروراندن باشد. چون در توضیح ساسه الفرس می گویند؛ یعنی صاحب اسب به پرورش و تربیت آن اقدام کرد. همین مفهوم سیاست یا توسعه در مصداق، در تربیت انسان ها استعمال می شود.

سیاست در متون روایی به معنای تربیت به کاررفته است. مثلاً پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «کان بنو اسرائیل ستوسهم انبیاءهم» همواره سرپرستی و ریاست بنی اسرائیل را پیامبران شان بر عهده دارند.^{۱۱}

بعضی نیز معتقدند سیاست یا پولیتیک از کلمه «پولیس» به معنای شهر گرفته شده است و در پولیس یا شهرهای یونان باستان مجموعه ای از آدمیان با حقوق مساوی و منافع مشترک زندگی می کردند.^{۱۲} در تعریف دیگری آورده شده: «هی (أی السیاسه) إستصلاح الخلق یارشادهم (أی الانبیاء) الی الطریق المنجی فی العاجل و الاجل و نص بعض الفقها علی انها فعل شی من الحاکم لمصلحه یراها و ان لم یرد بهذا الفعل دلیل شرعی» سیاست اصلاح اخلاق مردم می باشد از راه ارشاد به راه راست و آن صفت انبیاست در باطن و ظاهر و بعضی از فقها تصریح کرده اند که سیاست انجام دادن کاری از سوی حاکم است به خاطر مصلحتی که در آن کار می بیند. اگر چه برای انجام آن فعل دلیل شرعی وجود نداشته باشد.^{۱۳}

بعضی نیز قائلند سیاست دارای دو معنای عام و خاص است:

۱ - معنای عام: هر گونه راهبرد یا روش و مشی برای اداره امور، چه شخصی چه اجتماعی، سیاست گفته می شود، بنابراین از سیاست اقتصادی، نظامی، مالی، آموزشی و... سخن می گوئیم.

۲ - معنای خاص: هر امری که مربوط به دولت و مدیریت باشد از مقوله علوم سیاسی است.

سیاست در نزد اندیشمندان اسلامی عبارت است از روش اداره جامعه به گونه‌ای که مصالح مادی و معنوی آحاد آن تحقق یابد.

علامه محمدتقی جعفری سیاست را به معنای مدیریت گرفته است: «سیاست عبارت است از مدیریت و توجیه و تنظیم زندگی اجتماعی انسان‌ها در مسیر حیات معقول» که منظور ایشان از حیات معقول، همان حیات و حیانی و زندگی انبیاء و امامان معصوم(ع) است.

از منظر امام خمینی(ره) سیاست به سه قسم تقسیم می‌شود:

۱ - سیاست شیطانی: این نوع از سیاست ناظر به به‌کارگیری خدعه، نیرنگ و دروغ در اداره جامعه است.

۲ - سیاست حیوانی: در این نوع از سیاست دولت صرفاً در جهت تحقق نیازهای مادی جامعه تلاش می‌کند.

۳ - سیاست اسلامی: در این نوع سیاست دولت علاوه بر تأمین نیازهای مادی و حیوانی انسان، باید در جهت شکوفایی ارزش‌های انسانی و معنوی تلاش کند.^{۱۴} به طور کلی سیاست عبارت است از هر نوع تدبیر و تلاش و فعالیت و تعمق و تفکر و اقدام فردی و جمعی در جهت کسب قدرت و به عهده گرفتن اداره امور کشور به نحوی که کشور و افراد آن در مسیر تحقق آمال و خواسته‌های خویش قرار گیرند.^{۱۵}

ج - مفهوم مشارکت سیاسی

در تعریف مشارکت سیاسی آمده است که مشارکت سیاسی به معنی فرصت پرداختن شمار زیادی از شهروندان به امور سیاسی و از شرط‌های لازم دموکراسی است.^{۱۶} بعضی نیز مشارکت سیاسی را هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان یافته یا بدون سازمان، دوره‌ای یا مستمر شامل به‌کارگیری روش‌های مشروع یا نامشروع برای تأثیر و انتخاب سیاست‌های عمومی، اداره امور عمومی و انتخاب رهبران سیاسی را در هر سطحی از حکومت می‌دانند.

هر چند مصادیق مشارکت سیاسی در تمدن‌های کهن نیز وجود دارند اما بحث

از مشارکت به عنوان یک مسئله نظری و ملاک سنجش مشروعیت، مختص دولت‌های مدرن است که به موازات تغییر در مفهوم سیاست نظام سیاسی از قلمرو دولت به دایره وسیع‌تر عمل سیاسی صورت گرفته است. رابرت دال نظام سیاسی را هر الگویی ارائه شده از رفتار سیاسی بشر تعریف می‌کند که شامل نوع خاصی از وجود سیاسی قدرت، حکومت و اقتدار است. طبق این تعریف به نظر می‌رسد که سیستم سیاسی علاوه بر شکل صوری و عام حکومت، الگوهای رسمی و غیررسمی روابط انسانی را نیز شامل می‌شود که در تصمیمات یک دولت یا حکومت تأثیر می‌گذارد. بر اساس این تعریف از نظام سیاسی که بسیار فراتر از نهادهای رسمی دولت است، مشارکت سیاسی را می‌توان به مثابه مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و اعمال تعریف کرد که شهروندان خصوصی به وسیله آن اعمال در جستجوی نفوذ یا حمایت از حکومت و سیاست خاصی هستند.^{۱۷}

به طور کلی می‌توان گفت مشارکت سیاسی مساعی سازمان یافته شهروندان برای انتخاب رهبران خویش و شرکت مؤثر در فعالیت‌ها و امور اجتماعی و سیاسی و تأثیر گذاشتن بر صورت بندی و هدایت سیاست دولت است.^{۱۸} اما اگر بخواهیم مشارکت سیاسی را در جامعه دینی و اسلامی مطرح کنیم می‌توان گفت مشارکت سیاسی تأثیر و نقش مردم بر ساختار حکومتی و رفتار دولت مردان و کلیه امور سیاسی به صورت نهادینه و با روش‌های مشروع در جامعه و حکومت اسلامی می‌باشد.^{۱۹}

اصل جواز مشارکت سیاسی برای زنان و ادله آن

در این زمینه می‌توان به ادله‌ای از کتاب و سنت استناد نمود که به صورت صریح یا ضمنی به مسأله مشارکت زنان در عرصه‌های گوناگون قدرت و حکومت ارتباط پیدا می‌کند.

الف) یکی از مهمترین آیاتی که می‌توان به واسطه آن به جواز مشارکت سیاسی زن دست یافت آیه ۷۱ سوره مبارکه توبه است که به مسأله عهده‌دار بودن مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر اشاره دارد.

توضیح این که مسئولیت مزبور به صراحت به عهده مردان و زنان مسلمان قرار

داده شده است. چه این که خداوند متعال در آیه ۷۱ سوره توبه، این مقدار از ولایت را برای مردان و زنان مسلمان نسبت به یکدیگر ثابت دانسته که به امر به معروف و نهی از منکر یکدیگر بپردازند: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...». واضح است که یکی از مصادیق معروف و منکر، امور سیاسی هستند، یعنی معروف و منکر سیاسی. بنابراین، قرآن نه تنها مشارکت زن در این بخش از فعالیت‌های سیاسی را حق وی می‌داند بلکه بالاتر از آن تکلیف و وظیفه او می‌داند.^{۲۰}

آیات دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد ۲۳ تا ۴۴ سوره مبارکه نمل می‌باشد. در این آیات خداوند از زن هوشمند و با درایتی سخن می‌گوید که بر سرزمینی حکومت می‌کند و با دعوت حضرت سلیمان (ع) از کیش شرک به اسلام روی می‌آورد. این آیات بیانگر صلاحیت و شایستگی و هم چنین حق زنان در سهم گرفتن و ایفای نقش در زمینه امور سیاسی و قدرت و حاکمیت است.^{۲۱} در این جا قرآن به الگویی از مدیریت سالم سیاسی^{۲۰} اجتماعی یک زن اشاره می‌کند که اصول مدیریت را رعایت کرده و از این رو راهبر قومش به سوی رستگاری دنیوی و اخروی گردیده است.^{۲۲}

همچنین می‌توان به آیاتی که درباره بیعت زنان^{۲۳} و هجرت زنان^{۲۴} نازل شده است و آیات دیگری که به صورت ضمنی این مسأله را بیان داشته‌اند^{۲۵} اشاره نمود که همه این آیات نشان دهنده جواز مشارکت سیاسی زنان می‌باشد.

(ب) حدیث پیامبر اکرم (ص) که فرمودند: «من أصبح و أمسى و لم يهتم بامور المسلمين فليس بمسلم».^{۲۶} «کسی که صبح و شام کند و به امور مسلمانان اهتمام نوزد، مسلمان نیست.»

امور مسلمانان بدون شک شامل امور سیاسی آنان نیز می‌شود. هم چنین حدیث پیامبر (ص) اطلاق دارد و زنان را هم در بر می‌گیرد. چه این که فرمودند: «من أصبح و أمسى» و نفرمود مردی که صبح و شام کند.

بنابراین نه تنها زن و مرد مسلمان می‌توانند نسبت به امور سیاسی یکدیگر توجه و اهتمام داشته باشند بلکه بر آنان لازم است که چنین باشند زیرا در غیر این صورت از زمره مسلمانان محسوب نخواهند شد.^{۲۷}

هم چنین حدیث دیگری از پیامبر اکرم (ص) که فرمودند: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ

مَسْئُولٍ عَنِ رَعِيَّتِهِ»^{۲۸} همه شما نسبت به یکدیگر و نسبت به اجتماع مسئولیت دارید. مورد خطاب این روایت فقط مردان نبوده‌اند بلکه زنان هم مورد خطاب قرار گرفته‌اند، یعنی پیامبر اکرم (ص) زنان را هم نسبت به جامعه و اوضاع و شرایط آن مسئول دانسته‌اند، حال چگونه ممکن است مسئولیت چیزی به کسی داده شود اما اجازه انجام آن را به او ندهند؟ این تکلیف به ما لایطاق است که قطعاً ائمه معصومین (ع) چنین تکلیفی را به عهده کسی نمی‌گذارند. پس قطعاً زنان هم می‌توانند و هم باید مشارکت و فعالیت سیاسی در جامعه داشته باشند.

(ج) سیره معصومین (ع) و یا روش دیگر مسلمانان که مورد تقریر معصومین (ع) قرار گرفته است.

از قسم نخست می‌توان به فعالیت‌های سیاسی حضرت زهرا (س) در احقاق حقوق پایمال شده همسر بزرگوارش علی (ع) اشاره نمود که چگونه بعد از ارتحال پیامبر اکرم (ص) با امام علی (ع) شب‌ها به خانه مهاجر و انصار رفته، آنان را بر حقایقی که خود شاهد آن بوده‌اند، (در مورد تعیین حضرت علی (ع) به عنوان امام و خلیفه) گواه می‌گرفتند و از آنان برای یاری حق کمک می‌طلبیدند.^{۲۹} هم‌چنین سخنرانی ایشان علیه هیئت حاکم وقت^{۳۰}، دفاع از امام علی (ع) در مسجد^{۳۱} و وصیت سیاسی ایشان^{۳۲}، همه نشان دهنده حضور سیاسی آن حضرت می‌باشد که هر جا احساس تکلیف کردند به تکلیف خویش عمل نمودند.

هم‌چنین می‌توان به سیره حضرت زینب (س) اشاره نمود که اگر چه تصریح به عصمت وی نشده ولی افعال او مورد تأیید امام معصوم (ع) قرار داشت. تأثیر برجسته و بسیار مهم حضرت زینب (س) در رساندن پیام واقعی کربلا بر کسی پوشیده نیست و اگر خطبه‌های عالمانه و آتشین ایشان در مقابل یزید و یزیدیان نبود، حقانیت راه امام حسین (ع) برای مردم جاهل و غفلت‌زده نمایان نمی‌گشت و کربلا در تاریخ به فراموشی سپرده می‌شد.^{۳۳}

اگر بخواهیم به‌طور خلاصه به چند فعالیت سیاسی توسط زنان در عصر پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) اشاره کنیم می‌توان این موارد را ذکر کرد:

- بیعت زنان با پیامبر در عقبه اولی، عقبه ثانی، فتح مکه، بیعت رضوان، بیعت در غدیر خم^{۳۴}

- هجرت زنان به حبشه و مدینه به امر خداوند و دستور پیامبر(ص)^{۳۵}
 - فعالیت سیاسی سوده همدانی در زمان امام علی (ع) که در یکی از مهمترین
 امور سیاسی که عزل و نصب فرماندار یک منطقه است، نماینده امام می‌شود.^{۳۶}
 - دفاع ام سلمه از امام علی (ع) و تلاش برای جلوگیری از وقوع جنگ جمل^{۳۷}
 - حضور زنانی چون حضرت زهرا (س)، ام ایمن، ام عماره، امیمه و... در
 جبهه‌های جنگ^{۳۸}

آنچه ذکر شد تنها بخشی از حضور و مشارکت فعال سیاسی - اجتماعی زنان
 در عصر پیامبر (ص) و اهل بیت(ع) می‌باشد. نمونه‌های فراوان دیگری وجود دارد
 که در کتب تاریخی نقل شده است^{۳۹} و در این جا مجال بحث از همه آنها نیست.
 همه موارد بیان شده، نشان دهنده تأیید و مشارکت و فعالیت سیاسی -
 اجتماعی زنان توسط خداوند و ائمه معصومین(ع) می‌باشد.

بازبینی حق و تکلیف در حوزه مشارکت سیاسی زنان

در این جا می‌خواهیم این مسأله را بررسی کنیم که آیا این مشارکت سیاسی
 حق زن است یا تکلیف اوست. یعنی آیا زن محق است که در امور سیاسی -
 اجتماعی مشارکت داشته باشد یا مکلف؟ برای بررسی این موضوع ابتدا مفهوم دو
 واژه حق و تکلیف را بررسی می‌کنیم سپس رابطه این دو و تفاوت آنها را تبیین
 می‌کنیم.

الف - مفهوم حق

حق (ح - ق - ق) در قاموس لغت به معنای ثبوت، ضد باطل و موجود ثابت
 می‌باشد^{۴۰}، موجود ثابتی که انکار آن روا نباشد.
 نیر به معنای وجود مطلق و غیر مقیدی که به هیچ قیدی تقید نشده باشد،
 یعنی ذات اقدس باری تعالی.^{۴۱}

اصل حق مطابقت و یکسانی و هماهنگی و درستی است. مثل مطابقت پایه
 درب درحالی که در پاشنه خود با استواری می‌چرخد.^{۴۲} در مجمع البیان ذیل آیه
 ۷ سوره انفال می‌گوید: حق آن است که شیء در موقع خود واقع شود که این
 معنای اخرای قول راغب است.^{۴۳}

تردیدی وجود ندارد در این که حق در برخی موارد دارای ماهیت اعتباری عقلایی و در برخی موارد شرعی است و شکی نیست که حق در همه موارد معنا و ماهیت واحد داشته باشد و مصادیقش مشترک معنوی است.^{۴۴}

حق را از نظر فقهی این گونه معنا کرده‌اند: یعنی اموری که در شرع پیش‌بینی شده، اگر افراد مجاز باشند که به قصد خود برخی از آن‌ها را تغییر دهند این امور قابل تغییر را حق گویند.

و از نظر حقوقی یعنی قدرتی که از طرف قانون به شخص داده شده است.^{۴۵} حقوق را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته‌ای که عقل انسان مستقلاً دلیل حق بودنشان را در می‌یابد، یعنی به خوبی ادراک می‌کند که اگر انسان‌ها از آن محروم باشند هدف خدای تعالی از آفرینش تحقق نمی‌یابد مثلاً اگر انسان‌ها حق استفاده از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها را نداشته باشند زندگی ناممکن می‌شود، پس ثبوت حق در این موارد از مستقلات عقلیه است، که به آن‌ها حقوق فطری می‌گویند.

دسته‌ای دیگر از حقوق هست که عقل آدمی نمی‌تواند در مورد آن‌ها به ارتباط میان فعل و هدف پی ببرد. ثبوت این دسته از حقوق از راه وحی الهی فهمیده می‌شود.^{۴۶}

حقوق تقسیمات متعددی دارد از جمله تقسیم حق به «من له الحق» و «من علیه الحق».

کسی که حق برای او جعل شده و مورد حق است را «من له الحق» گویند و کسی که در مقابل صاحب حق قرار گرفته و وظیفه‌ای پیدا می‌کند «من علیه الحق» یا «مکلف» می‌گویند.^{۴۷}

ب - مفهوم تکلیف

در لسان اهل لغت، تکلیف از ریشه «کلف» به معنای امر کردن به چیزی است که انجام آن دشوار باشد.^{۴۸}

در اصطلاح و فرهنگ دین، اوامر و نواهی شرعی و قانونی را گویند یعنی الزاماً قانونی و شرعی^{۴۹} و هم‌چنین تکلیف در دین به معنای موظف کردن در مقابل تعالیم الهی و تبعیت از امر و نهی پروردگار است. مکلف انسانی است که تابع طلب

الهی (امر و نهی) باشد.^{۵۰}

ادله موافقین حق بودن اصل مشارکت سیاسی زنان

برخی از اندیشمندان معتقدند مشارکت سیاسی یک حق اساسی است که همه انسان‌ها (اعم از زن و مرد) حق بهره‌مندی از آن را دارند و هیچ‌کس نمی‌تواند این حق را از آنان سلب کند. بر اساس دیدگاه مکاتب مختلف در رابطه با منشأ حقوق انسان‌ها، نظریه‌های متفاوتی وجود دارد. در بسیاری از مکاتب بشری، «قانون» که از سوی مردم یا نمایندگان آنان یا دانشمندان جامعه وضع می‌شود منشأ و سرچشمه حقوق شمرده شده است. گروهی دیگر خاستگاه و منشأ حقوق را نیاز می‌دانند، بدین معنا که «نیاز انسان» سبب می‌شود که حق پیدا کند و نسبت به آنچه بدان نیازمند است حق پیدا کند. برخی «قدرت» را منشأ حق می‌شمارند در این دیدگاه هر کس از قدرت بیشتری برخوردار باشد قهراً از حق فزونتری برخوردار است. برخی «اراده» را سرچشمه حق می‌دانند و هر موجود با اراده‌ای، از دید این گروه صاحب حق است.^{۵۱} اما دانشمندان علم حقوق به طور کلی منشأ حقوق را به دو قسم تقسیم می‌کنند:

۱ - حقوق طبیعی و فطری

حقوق طبیعی مجموعه قواعدی است که از خود طبیعت انسان و جامعه به وجود آمده و به موجب آن اختیارات و وظایف افراد معین می‌گردد^{۵۲} و انسان به حکم انسان بودنش از آن بهره‌مند است و چون منشأ فطری و طبیعی دارد قابل سلب نمی‌باشد و وضع و رفع آن به دست افراد و حکومت‌ها نیست.^{۵۳} مانند آزادی فردی، مساوات در برابر قانون، حق تملک اموال، آزادی بیان، آزادی عقاید مذهبی و سیاسی و نظایر این‌ها.

۲ - حقوق موضوعه یا قراردادی

مجموعه قواعدی است که از طرف خود افراد بشر وضع می‌شود.^{۵۴} این حقوق

ره آورد تدبیر و تجربه در جوامع مختلف می‌باشد، یعنی مجموعه مقررات و احکام جاری در هر جامعه که همان قانون در مفهوم خاص است.^{۵۵} مانند حقوق اداری، مدنی، جزایی و....

بر اساس این نظریه وضع و کشف این حقوق به وسیله، عقل و وجدان می‌باشد.^{۵۶}

بر اساس این نظریه مشارکت سیاسی، یک حق طبیعی و فطری به شمار می‌رود، که همه انسان‌ها (اعم از زن و مرد) می‌توانند از این حق بهره‌مند شوند و هیچ‌کس حق سلب آن را از آن‌ها ندارد. به عنوان مثال در رابطه با رأی دادن، در قرن هجدهم دو نظام اندیشه‌ای متفاوت در برابر هم جبهه گرفتند. دسته‌ای رأی دادن را حق افرادی می‌دانستند که به کارگیری این حق یا امتناع از آن، مشروع هر شهروند به شمار می‌آمد و هیچ مقامی نباید بتواند این حق را از او بگیرد.^{۵۷} در مقابل دسته‌ای دیگر آن را یک عمل اجتماعی و یا یک تکلیف از سوی شهروندان تعبیر می‌کردند.^{۵۸}

در مقابل گروه یاد شده، پیروان بعضی از ادیان بزرگ عالم و عده زیادی از فلاسفه الهی عقیده دارند قوانین زندگی و حدود و مسئولیت‌های افراد جامعه باید از ناحیه خداوند تعیین گردد.^{۵۹}

دین اسلام که دین فطری است و قوانین و دستورات آن نمی‌تواند مخالف فطرت خداداد انسان باشد مسلماً نسبت به حقوق فطری انسان‌ها و لزوم رعایت آن نظر مثبت دارد. در نگاهی کوتاه به متون محکم دینی و روش زمامداری رهبران معصوم (رسول اکرم(ص) و امام علی(ع)) توجه به این حقوق از سوی آنان روشن است.^{۶۰} سیره پیامبر(ص) در بسیاری از موارد به آزادی مردم و مشارکت آنان در حکومت دلالت دارد و امیر مؤمنان(ع) نه تنها خود از نظرات دیگران استفاده می‌کردند، مردم را نیز به استفاده از حقوق و آزادی‌های خویش تشویق می‌کردند.^{۶۱}

موارد زیادی از سیره پیامبر(ص) وجود دارد که ایشان به دیگران اجازه اظهار نظر داده‌اند، این‌ها مصادیق روشنی از به رسمیت شناختن حقوق فطری مردم می‌باشد. امیر مؤمنان(ع) نیز در دوران حکومت خویش بارها بر حقوق متقابل والی و مردم تأکید می‌کردند.^{۶۲} مبنای حقوق بشر به مفهوم غربی آن حق

طبیعی است که با ذات و طبیعت انسان پیوند دارد در حالی که در اسلام، حق شرعی انسان مستند به کرامت الهی اوست. این حقوق به دلیل آن که به واسطه شریعت نظم یافته و مرتبط با شریعت هستند از حقوق خداوندی جدایی ناپذیرند. لذا هیچ شخص یا گروهی نمی‌تواند از همه یا بخشی از حقوق شرعی انسان صرف‌نظر یا تنازل کند. این حقوق ضرورت‌های انسان به شمار می‌روند که به موجب شرع اسلام، دولت و جامعه و فرد موظف به حفظ آن‌ها هستند.^{۶۳}

یکی از حقوقی که اسلام برای همگان قائل است حق حاکمیت بر سرنوشت خویشتن است که این حق را از جانب خداوند تعالی می‌داند و بر اساس آن هیچ‌کس مجاز نیست موجبات سلب این حق را از انسان‌ها به هر دلیلی فراهم کند. یکی از مهمترین موارد استفاده از این حق، مشارکت افراد در اداره امور کشور خودشان است.^{۶۴}

از نظر امام علی(ع) حضور و مشارکت فعال مردم در سامان دادن به امور جامعه بسیار مهم است. از این‌رو اگر چه حقانیت زمامداری وی مبتنی بر نصب الهی بود اما در اولین سخنرانی خود بعد از بیعت مردم با وی، پذیرش زعامت مسلمانان را مستند به حضور و بیعت مردم کردند.^{۶۵}

امام خمینی(ره) نیز نقش اصلی و کلیدی در حکومت را از آن مردم می‌دانستند، بدین معنا که حکومت بدون مردم و بدون خواست آنان تحقق نمی‌یابد. در اندیشه امام(ره) مردم میزان امور و شاخص اصلی حکومت شمرده می‌شوند و هیچ‌کس حق ندارد بر مردم بدون خواست آنان حکومت کند،^{۶۶} «میزان ملت‌ها هستند.»^{۶۷}

امام(ره) در رابطه با مشارکت سیاسی و شرکت در انتخابات که از بارزترین مصادیق مشارکت سیاسی است می‌فرمایند: «این یک حق مسلم ملت، این یک حقی که همه عالم می‌گویند باید با ملت‌ها باشد.»^{۶۸}

ادله موافقین تکلیف بودن اصل مشارکت سیاسی زنان

در نظام سیاسی اسلام قانون‌گذاری و انشاء ولایت و نصب رهبر مربوط به خداست اما بدون پذیرش و حمایت و پشتوانه مردمی این قوانین اجرا نخواهد شد

و ولایت الهی تجلی و ظهور و عینیت نخواهد یافت. از این رو می توان بسیاری از احکام حکومتی را که جز به وسیله یک حکومت مقتدر و توانمند اجرا نمی شود متوجه عموم مردم نمود و آن ها را از وظایف همگانی شمرد؛ یعنی مردم با تشکیل و انقیاد به حاکمیت الهی، زمینه اجرای حاکمیت الهی را فراهم نمایند. که در این زمینه می توان به آیات ۱۲۳ سوره مبارکه توبه^{۶۹}، ۱۳۵ سوره مبارکه نساء^{۷۰} و ۳۸ سوره مبارکه مائده^{۷۱} اشاره کرد.

حکومت اسلامی دارای چهار رکن اصلی است: رکن اول، قانون و اراده تشریحی خداوند است. رکن دوم امامت و رهبری الهی است. رکن سوم پذیرش و ایمان مردمی است و رکن چهارم مشارکت و قیام مردمی است، سه رکن قبلی مقدمه رکن چهارم یعنی تحقق و عینیت یافتن حکومت است و این جز با تلاش پیگیر و ایثار جان و مال مردمی حاصل نمی شود. در مقابل اگر قانون الهی و رهبری الهی و اعتقاد مردم وجود داشته باشد اما حمایت و مشارکت عملی مردمی تحقق نیابد، حکومت دینی شکل نمی گیرد و مردم از هدایت های اساسی دین بی بهره می گردند. از آیه ۲۵ سوره مبارکه حدید^{۷۲} به خوبی رهبری و همراهی مردم در مسیر تحقق حکومت دینی و برقراری عدالت اجتماعی استفاده می شود.^{۷۳}

بنابر یک دیدگاه، انگیزه دخالت در سیاست و انجام امور اجتماعی، انجام وظیفه دینی یا ادای تکلیف الهی است. طبق این دیدگاه دخالت در سیاست نه به عنوان برآوردن غرایز حیوانی و سیراب کردن عطش قدرت و نه به عنوان برآوردن نیازهای انسانی، بلکه به عنوان انجام یک وظیفه دینی و تبعیت از یک دستور الهی مطرح است. در این دیدگاه انسان تکلیف گر است و محور فعالیت او را چیزی بیرون از میل طبیعی یا انسانی وی شکل می دهد.

چنین انسانی در راه به دست آوردن حقوق انسانی خویش تلاش می کند، اما همه این ها به عنوان یک وظیفه دینی است و بدون وجود آن وظیفه، مطلوبیت آن مخدوش است.^{۷۴}

حال با توجه به آنچه ذکر کردیم نقش هر مسلمان (اعم از زن و مرد) در تعیین سرنوشت جامعه اش و بازتابی که اعمال دیگران در سرنوشت او دارد و تعهدی که باید در پذیرش مسئولیت های اجتماعی داشته باشد ایجاب می کند که وی ناظر و مراقب همه اموری باشد که در اطراف او و جامعه اش اتفاق می افتد. این

اصل را قرآن تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر،^{۷۵} جزئی از فرائض اجتماعی قرار داده و یکی از مبانی اندیشه سیاسی و ارکان حیات سیاسی مسلمانان تلقی کرده است.

این اصل قرآنی موجب شده است که فعالیت سیاسی جزئی غیرقابل تفکیک از مجموعه تلاش‌های زندگی اجتماعی هر مسلمان باشد و او را در تعیین سرنوشت جامعه شریک سازد.^{۷۶}

در این‌جا به بیان برخی از نظرات حضرت امام خمینی (ره) به عنوان رهبر جامعه اسلامی و یکی از فقهای بزرگ عصر حاضر می‌پردازیم.

تبیین مفهوم تکلیف‌گرایی از دیدگاه امام (ره)

در دیدگاه امام (ره) محرک اساسی انسان در حرکت‌های مختلف چیزی جز انجام وظیفه الهی نیست.

اندیشه تکلیف‌گرایانه امام (ره) می‌تواند به آیات قرآنی و روایات استناد یابد. قرآن کریم در مواضع متعدد به مسئولیت مردم و رهبران جامعه متذکر شده، تکلیف آنان را بیان داشته است. «فَلَنَسَلَنَّ الَّذِينَ الَّذِينَ رُسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ»^{۷۷} در خصوص مشارکت‌های مردمی، رهنمودهای حضرت امام (ره) به این شکل قابل جمع‌بندی خواهد بود. مشارکت، تکلیف است نه حق. دیدگاه حاکم بر وصیت‌نامه حضرت امام خمینی (ره) بر این امر دلالت دارد که مردم مسلمان مکلف به مشارکت هستند بر خلاف دیدگاه رایج در تمدن‌های معاصر غرب، که مشارکت را حق مردم می‌شمارند، حضرت امام مشارکت مردم در عرصه‌های مرتبط با حکومت را در زمره واجبات شمرده‌اند^{۷۸} و عدم مشارکت مردان را در مواقعی که باید مشارکت نمایند در زمره گناهان نابخشودنی شمرده‌اند.^{۷۹}

حضرت امام خمینی (ره) در وصیت‌نامه خویش مشارکت در امور سیاسی و حکومتی را به قشر یا طبقه خاصی منحصر ندانسته و بر حضور بانوان، خرد و پیر و جوان تأکید کرده‌اند.^{۸۰} همان‌گونه که امروز مقام معظم رهبری بر حضور همه‌جانبه و مستمر زنان آگاه و فرهیخته در نهضت بیداری اسلامی تأکید فراوان دارند.

در دیدگاه امام (ره) عدم مشارکت مردم در امور سیاسی و حکومتی و جدایی ملت از دولت باعث می‌شود تا راه برای دخالت قدرت‌های بیگانه و استعمارگر و

مسلط شدن آن‌ها بر ثروت‌ها و امکانات کشور هموار شود. به بیان دیگر در حکومت مطلوب حضرت امام(ره) استقلال سیاسی و اقتصادی جامعه وابسته به مشارکت مردم در امور سیاسی و حکومتی خواهد بود، که این دیدگاه منبعث از دیدگاه نبوی «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة» است.^{۸۱} و جنسیت پذیر نیز نمی‌باشد.

تعامل دو رویکرد حق محور و تکلیف محور

دین مجموعه‌ای از قوانین است، دین آفرین همان انسان آفرین و جهان آفرین است و انسان آفرین، به حقیقت و مصالح او آگاه است. لذا برنامه‌هایی را که برای تأمین حقوق و مصالح بشر تدوین و در مجموعه‌ای به نام دین (یعنی همان تکالیف) ارائه کرده است تا بشر به حقوق خود دست یابد.^{۸۲}

بخش عمده دین که مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهاست برای تأمین و حفظ حقوق انسانی است، پس بایدها و نبایدها (تکالیف) در دین، بار زائدی نیست که به دوش بشر گذاشته شده باشد تا شخص ثالثی به منافع و سودی برسد، بلکه برای دستیابی خود انسان و برطرف کردن موانع در مسیر حق است.

اگر حق را باید به دست آورد بهترین راه برای به دست آوردن آن تکلیف است، این جاست که قوانین و برنامه‌های دین معنا پیدا می‌کنند و بایدها و نبایدها در دین تفسیر می‌شوند.

پس بازگشت همه تکالیف به حقوق است، بنابراین اگر کسی به تکلیف خود عمل نکرد در واقع حق خود را ضایع کرده است. بنابراین در اسلام حق و تکلیف جز در مورد خداوند در تمامی موارد طرفینی بوده و تلازم وجود دارد و تکلیف بدون حق و حق بدون تکلیف مصداق نخواهد داشت.^{۸۳}

حال اگر بخواهیم به بررسی مسأله تلازم حق و تکلیف در مقوله مشارکت سیاسی بپردازیم می‌توان گفت گرچه که هر فرد حق شرکت در سرنوشت خویش را دارد اما خداوند متعال که خالق همه انسان‌ها است، چون سعادت آنان را در بهبودی وضع سیاسی و زندگی اجتماعی آنان دیده است، آنان را امر کرده که از این حقوق خویش استفاده کنند.

در نتیجه اقدام سیاسی از این جهت که مردم می‌توانند از آن بهره‌مند شوند و کسی را حق تخلف از این امر نیست - اگر آن را حقوق فطری بدانیم حتی خداوند

نیز بر طبق حکمت خویش از آن منع نمی‌کند چرا که اوامر حکیمانه خداوند و ادیان الهی مخالف فطرت نیستند - حق است و مردم در این اقدام از حق مسلم خویش بهره‌جسته‌اند. اما از آن جهت که خداوند تعالی استفاده از این حق را لازم دانسته و مردم را وظیفه‌مند در سود جستن از این حق کرده است، آن را وظیفه و تکلیف می‌شود نامید.^{۸۴}

پس اگر گفته می‌شود: «افراد جامعه در مسائل سیاسی مانند انتخابات، حق شرکت دارند نه تکلیف پس نباید برای حضور آنان در صحنه انتخابات از فتوای دین کمک گرفت» چنین برداشتی از تکلیف با تحلیل گذشته سازگار نیست زیرا شرکت در انتخابات (به عنوان یکی از مصادیق مشارکت سیاسی) که از مهمترین مسائل حیاتی جامعه محسوب می‌شود و نظیر شرکت در تماشای بازی نیست که یک امر مباح و ابتدایی باشد و هیچ تکلیفی را به همراه نداشته باشد.

شرکت در مسائل مهم سیاسی نظیر انتخابات که استقلال نظام و اقتدار ملت و شکوه جامعه اسلامی مرهون آن است حق خاص و مسلم امت اسلامی است و تکلیف لزومی آن را همراهی می‌کند یعنی چنین حقی حتماً باید استیفا شود.^{۸۵} بنا بر آنچه گفته شد وقتی خداوند در قرآن کریم زن و مرد را مورد خطاب قرار می‌دهد و آن‌ها را در قبال جامعه مسئول می‌داند و خطاب می‌کند که باید امر به معروف و نهی از منکر کنند^{۸۶} و در مسائل اجتماعی حتماً باید حضور داشته باشند و جز با اجازه رهبر خویش حق ترک صحنه‌های مهم سیاسی و اجتماعی را ندارند^{۸۷} پس مشارکت سیاسی تکلیف مسلم هر زن و مرد مسلمان است. زیرا اگر زن و مرد مسلمان خواستار تعالی و کمال و سعادت جامعه اسلامی خود هستند و این را حق خود می‌دانند برای رسیدن به این حق باید به این تکلیف عمل کنند.

یافته‌های تحقیق

مشارکت سیاسی یک حق اساسی است که همه انسان‌ها (اعم از زن و مرد) حق بهره‌مندی از آن را دارند و هیچ‌کس نمی‌تواند این حق را از آنان سلب کند. یکی از حقوقی که آموزه‌های اسلام برای همگان قائل است حق حاکمیت بر سرنوشت خویش است که این حق را از جانب خداوند تعالی می‌داند و بر اساس

آن هیچ کس مجاز نیست موجبات سلب این حق را از انسان‌ها به هر دلیلی فراهم کند. یکی از مهمترین موارد استفاده از این حق، مشارکت افراد در اداره امور کشور خودشان است و زنان هم از این حق برخوردارند.

انگیزه دخالت در سیاست و انجام امور اجتماعی، انجام وظیفه دینی یا ادای تکلیف الهی است. طبق این دیدگاه دخالت در سیاست نه به عنوان برآوردن غرایز حیوانی و سیراب کردن عطش قدرت و نه به عنوان برآوردن نیازهای انسانی، بلکه به عنوان انجام یک وظیفه دینی و تبعیت از یک دستور الهی مطرح است. در این دیدگاه انسان‌ها اعم از زن و مرد تکلیف‌گر است و محور فعالیت او را چیزی بیرون از میل طبیعی یا انسانی وی شکل می‌دهد. در خصوص مشارکت‌های مردمی، رهنمودهای حضرت امام(ره) به این شکل قابل جمع‌بندی خواهد بود. مشارکت، تکلیف است نه حق. دیدگاه حاکم بر وصیت‌نامه حضرت امام خمینی(ره) بر این امر دلالت دارد که مردم مسلمان اعم از زنان و مردان مکلف به مشارکت هستند بر خلاف دیدگاه رایج در تمدن‌های معاصر غرب، که مشارکت را حق مردم می‌شمارند.

مشارکت سیاسی زنان مسلمان امروز در نهضت بیداری اسلامی با توجه به نصوص ارائه شده یک تکلیف شرعی است و مقابله با حضور سیاسی زنان خلاف شرع است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. کشف/۲۹.
۲. میرزا حسین نوری (۱۴۰۷ ق)، مستدرک الوسایل، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول، ج ۶، ص ۱۴.
۳. حسن عمید (۱۳۷۲)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: چاپخانه سپهر، چاپ نهم، ج ۲، ص ۱۸۰۷.
۴. علی اکبر دهخدا (۱۳۴۰)، لغت نامه دهخدا، تهران: چاپخانه انتشارات دانشگاه تهران، ص ۴۶۰.
۵. زهرا شجاعی (۱۳۸۳)، برای زنان فردا (مجموعه مقالات)، تهران: انتشارات سوره مهر، چاپ اول، ص ۱۸۰.
۶. داریوش آشوری (۱۳۷۶)، دانشنامه سیاسی، تهران، چاپ گلشن، چاپ چهارم، ص ۳۰۲.
۷. سید جعفر سجادی (۱۳۷۳)، فرهنگ معارف اسلامی، تهران: انتشارات کومش، چاپ سوم، ج ۲، ص ۱۰۲۶؛ شمس‌الدین فرهیخته (۱۳۷۷)، فرهنگ فرهیخته، تهران: انتشارات زرین، چاپ یکم، ص ۱۲۵.
۸. محمود عبدالرحمن، معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهیه، بی‌جا، بی‌تا، ص ۳۷۵.
۹. حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، ص ۵۳۷.
۱۰. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ص ۹۰۵.
۱۱. غلامحسین مقیمی (۱۳۸۴)، «سیاست، رمز‌گشایی از یک مفهوم پر ابهام»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، قم: شماره ۲۹، ص ۱۱۵ - ۱۱۷ و ص ۱۲۱.
۱۲. عبدالحسین سعیدیان (۱۳۸۵)، دایرةالمعارف بزرگ نو، تهران: انتشارات علوم زندگی و آرام، چاپ اول، ج ۵، ص ۴۶۷۵.
۱۳. محمود عبدالرحمن، معجم المصطلحات و الفاظ الفقهیه، ص ۳۷۵؛ سید مصطفی حسینی دشتی (۱۳۷۶)، معارف و معاریف، قم: حجت، چاپ دوم، ج ۶، ص ۳۸۷.
۱۴. غلامحسین مقیمی، «سیاست، رمز‌گشایی از یک مفهوم پر ابهام»، ص ۱۲۱.
۱۵. سید جلال الدین مدنی (۱۳۷۴)، مبانی و کلیات علوم سیاسی، بی‌جا، نشر علامه طباطبایی، چاپ دوم، ج اول، ص ۱۳.
۱۶. سیمور مارتین لپست (۱۳۸۳)، دایره المعارف دموکراسی، کامران، فانی - نورالله، مرادی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم، ج سوم، ص ۲۴۱.
۱۷. داوود فیرحی (۱۳۷۷)، «مفهوم مشارکت سیاسی»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی، تهران: شماره اول، ص ۴۵.
۱۸. علی آقابخشی، مینو افشاری (۱۳۷۹)، فرهنگ علوم سیاسی تهران: نشر چاپار، چاپ اول، ص ۷۵.
۱۹. سید ناصر تقوی (۱۳۸۰)، «تأثیر انواع مشروعیت در مشارکت سیاسی»، فصلنامه حکومت اسلامی، قم: تابستان، شماره دوم، ص ۱۸۹.
۲۰. محمدجمال محمد فقی رسول (۱۳۸۳)، زن در اندیشه اسلامی، محمود ابراهیمی، تهران: نشر احسان، چاپ اول، ص ۴۷۸؛ کاظم قاضی‌زاده (۱۳۸۳)، «زنان و مسئولیت‌های اجرایی در سطح کلان»، پیام زن، تهران: ش ۱۱، ص ۱۶۶؛ موسی حسینی (۱۳۸۰)، «دیدگاه قرآن درباره مشارکت سیاسی زنان»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ش ۲۶ - ۲۵، ص ۱۷۳؛ محمدجواد ارسطاط (۱۳۷۷)، «زن و مشارکت سیاسی (۱)»، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم سیاسی، تهران: ش اول، ص ۱۳۸.
۲۱. موسی حسینی، «دیدگاه قرآن درباره مشارکت سیاسی زنان»، ص ۱۷۰.
۲۲. عبدالله جوادی آملی (۱۳۸۳)، زن در آیین جمال و جلال، قم: اسراء، چ نهم، ص ۲۴۲.
۲۳. ممتحنه/۱۲.
۲۴. ممتحنه /۱۰.

۲۵. مانند آیاتی که در رابطه با شوری و مشورت در قرآن آمده است (شوری/۳۸، آل عمران/۱۵۹) که در آیه ۳۸ شوری ویژگی‌های برجسته مؤمنان را بیان می‌کند و آیه ۱۵۹ آل عمران به پیامبر دستور می‌دهد که با مؤمنان مشورت کن. تردیدی نیست که در هر دو آیه مقصود از مؤمنان، زنان و مردان مؤمن هستند، این بدان معنی است که روش شوری در هر زمان و زمینه‌ای که به کار گرفته می‌شود زن و مرد حق شرکت و اظهار نظر در آن را دارند. بنابراین قرآن به زن حق مشارکت می‌دهد و به صورت ضمنی صلاحیت و شایستگی او را تأیید می‌کند. موسی حسینی، «دیدگاه قرآن درباره مشارکت سیاسی زنان»، ص ۱۷۴
۲۶. ابوجعفر محمد یعقوب (۱۴۰۷ ه. ق)، کلینی، اصول کافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول، ص ۱۵۶
۲۷. محمدجواد ارسطو، «زن و مشارکت سیاسی (۱)»، ص ۱۵۶
۲۸. محمدباقر مجلسی (۱۳۸۰)، بحار الانوار، محمدجواد نجفی، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ سوم، ج ۷۲، ص ۳۸؛ حسن بن ابی الحسن دیلمی (۱۴۱۲ ه. ق)، ارشاد/قلوب، قم: انتشارات شریف رضی، ج ۱، ص ۱۸۴؛ تاج‌الدین شعیری (۱۳۶۳)، جامع‌الأخبار، قم: انتشارات شریف رضی، ص ۱۱۹؛ ابن ابی جمهور، احسانی، عوالی اللآلی، قم: انتشارات سیدالشهداء (ع)، ۱۴۰۵ ه. ق، ج ۱، ص ۱۲۹؛ ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، قم: انتشارات مکتبه الفقیه، ج ۱، ص ۶؛ شهیدثانی، منیه‌المزید، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۹ ه. ق، ص ۳۸۱
۲۹. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم، دار الارشاد الحدیث، بی جا، بی تا، ج اول، ص ۱۳۱
۳۰. محمدباقر، مجلسی، پیشین، ص ۱۲۰
۳۱. همان، ص ۱۱۵
۳۲. محمدباقر، مجلسی، بحار الانوار، ص ۱۷۹
۳۳. علی، قائمی، زندگانی حضرت زینب (س)، تهران، انتشارات امیری، چ سوم، ۱۳۷۶، ص ۲۸۵
۳۴. سیدمحمد، خامنه‌ای، حقوق زن، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ دوم، ۱۳۷۵، ص ۷۶؛ سیدحسین، حسینی، سراج (نگاهی گذرا به شبهات حقوقی پیرامون مسائل زنان)، تهران، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، چ دوم، ۱۳۸۰، ص ۲۱۹
۳۵. محمد بن سعد، کاتب واقدی، طبقات، محمود مهدوی دامغانی، تهران، فرهنگ و اندیشه، چ اول، ۱۳۸۲، ج ۸، ص ۴۲ - ۱ و ۳۲۵ - ۲۳۶
۳۶. عبدالله، جوادی آملی، زن در آئینه جمال و جلال، ص ۲۴۷
۳۷. شرح ابن ابی الحدید، ج ثانی، ص ۷۹ - ۷۸
۳۸. محمد ابراهیم، آیتی، تاریخ پیامبر اسلام، قم، انتشارات دارالفکر، چ اول، ۱۳۸۶، ص ۲۹۹
۳۹. محمد بن سعد کاتب واقدی، پیشین؛ طاهره، روحانی، زنان دین گستر در تاریخ اسلام، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، چ اول، ۱۳۸۲
۴۰. سید علی اکبر، قرشی، قاموس قرآن، طهران، دار الکتب الاسلامیه، چ پنجم، ۱۳۶۷، ج اول، ص ۱۵۸
۴۱. عبدالله، جوادی آملی، حق و تکلیف در اسلام، قم، اسراء، چ دوم، ۱۳۸۵، ص ۲۳
۴۲. ابوالقاسم، حسین بن علی بن فضل معروف به راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، سید غلامرضا حسینی خسروی، تهران، مرتضوی، ۱۳۸۳، ج اول، ص ۵۴۸
۴۳. سید علی اکبر، قرشی، قاموس قرآن، ص ۱۵۹
۴۴. عبدالله، جوادی آملی، حق و تکلیف در اسلام، ص ۲۴ - ۲۳
۴۵. محمد جعفر، جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، تهران، چاپ احمدی، چ هشتم، ۱۳۷۶، ص ۲۱۶
۴۶. محمدتقی، مصباح یزدی، حقوق سیاست در قرآن، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی

۴۷. امام خمینی (ره)، چ اول، زمستان ۱۳۷۷، ص ۴۷ - ۴۶
۴۸. عبدالله، جوادی آملی، حق و تکلیف در اسلام، ص ۲۴۱
- همان جا
۴۹. محمدجعفر، جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۱۷۷
۵۰. سیف‌الله، صرامی (۱۳۸۵)، حق، حکم و تکلیف، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چ اول، ص ۴۰
۵۱. سید جواد ورعی (۱۳۸۱)، حقوق و وظایف شهروندان و دولت‌مردان، قم: دبیرخانه مجلس خبرگان، چ اول، ص ۴۲ - ۴۱؛ کاظم قاضی زاده (۱۳۷۷)، اندیشه فقهی - سیاسی امام خمینی (ره)، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، چ اول، ۲۴۷ - ۲۴۴
۵۲. زین‌العابدین قربانی (۱۳۶۷)، اسلام و حقوق بشر، بی‌جا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ سوم، ص ۱۶؛ سید جواد ورعی، پیشین، ص ۴۳
۵۳. حسین جوان آراسته (۱۳۸۴)، حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام، قم: دفتر نشر معارف، چ اول، ص ۳۵ - ۳۴
۵۴. زین‌العابدین قربانی، اسلام و حقوق بشر، ص ۱۶؛ سید جواد، ورعی، حقوق و وظایف شهروندان و دولت‌مردان، ص ۴۴
۵۵. حسین، جوان آراسته، حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام، ص ۳۵ - ۳۴
۵۶. زین‌العابدین، قربانی، پیشین، ص ۱۷
۵۷. این نظریه مبتنی بر نظریه‌های حاکمیت تقسیم شده بود که توسط روسو و همفکرانش دفاع می‌شد، اگر حاکمیت مردم، حاصل جمع سهام حاکمیت هر شهروند باشد، پس صاحب سهم حاکمیت، یعنی هر شهروند حق دارد که در سازماندهی حکومت مشارکت کند، سید ابوالفضل قاضی شریعت پناهی (۱۳۸۸)، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: نشر میزان، چ سی و سوم، ص ۲۹۶
۵۸. همان جا
۵۹. زین‌العابدین قربانی، پیشین، ص ۱۸
۶۰. کاظم قاضی زاده، اندیشه های فقهی - سیاسی امام خمینی (ره)، ص ۲۴۴
۶۱. نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۶
- همان جا
۶۲. هبه رؤف (۱۳۷۷)، مشارکت سیاسی زن دیدگاه اسلامی، محسن آرمین، تهران: نشر قطره، چ اول، ص ۶۳
۶۴. قاسم شعبانی (۱۳۷۳)، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران، تهران: اطلاعات، چ بیست و دوم، ص ۱۰۳
۶۵. سید عباس، نبوی، «جامعه آرمانی»، دانشنامه امام علی (ع)، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ دوم، ۱۳۸۲، ج ششم، ص ۱۷۸
۶۶. مصطفی، دلشاد تهرانی، عارض خورشید، مقدمه‌ای بر اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ دوم، ۱۳۸۰، ص ۳۱۲
۶۷. موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه نور، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ اول، ۱۳۶۸، ج ۷، ص ۵۷۵
- همان، ص ۶۳
۶۹. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً» ای کسانی که ایمان آورده‌اید با کافرانی که همجوار شما هستند پیکار کنید و باید در شما صلابت و سر سختی بیابند.

۷۰. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ...» ای کسانی که ایمان آورده‌اید به عدالت رفتار کنید و در پاسداری از آن سخت بکوشید و برای خدا گواهی دهید هر چند گواهی تا به زبان خودتان باشد.
۷۱. «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ...» مرد و زن دزد را باید دستشان را ببرید که این سزایی است در برابر کاری که کرده‌اند و کیفری بازدارنده از جانب خداست.
۷۲. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» همانا ما پیامبران خود را با دلایل قاطع و معجزاتی که حقانیت رسالت آنان را آشکار می‌ساخت فرستادیم و با آن‌ها کتاب آسمانی و دین را که معیار عقاید و اعمال انسان‌هاست فرود آوردیم تا مردم همواره به عدل و داد به پا باشند.
۷۳. عبدالله، حاجی صادقی، *فلسفه و نظام سیاسی اسلام*، قم، انتشارات زمزم هدایت، چ اول، ۱۳۸۳، ص ۱۱۹
۷۴. کاظم، قاضی زاده، *اندیشه‌های فقهی - سیاسی امام خمینی (ره)*، ص ۲۴۵
۷۵. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» توبه/۷۱
۷۶. عباسعلی، عمیدزنجانی، *فقه سیاسی، تهران، چاپخانه سپهر، چ دوم، ۱۳۶۷، ج دوم، ۱۲۶*
۷۷. اعراف/۶ «پس حتماً از کسانی که پیامبران به سوی آنان فرستاده شدند و از پیامبران سؤال خواهیم کرد؛ کاظم، قاضی زاده، *اندیشه‌های فقهی - سیاسی امام خمینی (ره)*، ص ۲۵۱
۷۸. امام خمینی (ره)، *وصیت نامه سیاسی الهی*، تهران، نشر اسوه، ص ۷۰
۷۹. همان، ص ۷۱
۸۰. امام خمینی (ره)، *وصیت نامه سیاسی الهی*، ص ۹
۸۱. محمدصادق، کوشکی، *تأملاتی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چ اول، ۱۳۷۹، ص ۴۲-۴۳
۸۲. سید محمد مرتضوی، در کتاب *حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام*؛ بیان داشته است اگر حق به معنای امتیازی است که برای شخص در نظر گرفته می‌شود و تکلیف به معنای زحمت و دشواری است که علیه شخص در نظر گرفته می‌شود رابطه حق و تکلیف به دو شیوه قابل تصور است:
- الف - یک تصویر رابطه حق و تکلیف به این معنی است که هر جا حقی برای شخصی یا گروهی در نظر گرفته می‌شود تکلیفی برای دیگران در همان مورد در نظر گرفته می‌شود مانند نفقه که حقی است برای زن و تکلیفی است برای مرد.
- ب - تصویر دیگر از رابطه حق و تکلیف بدین معنی است که اگر در مواردی حتی برای شخص یا گروهی در نظر گرفته می‌شود برای همان شخص یا گروه نیز تکلیفی در برابر آن امتیاز وضع شده است. سید محمد، مرتضوی، *حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام*، مشهد، یوسف فاطمه، چ اول، ۱۳۸۷، ص ۲۳
۸۳. عبدالله، جوادی آملی، *حق و تکلیف در اسلام*، ص ۳۵ - ۳۴
۸۴. کاظم، قاضی زاده، *اندیشه‌های فقهی - سیاسی امام خمینی (ره)*، ص ۲۵۴
۸۵. عبدالله، جوادی آملی، *حق و تکلیف در اسلام*، ص ۲۷۶ - ۲۷۴
۸۶. توبه/۷۱
۸۷. نور/۶، «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ...» مؤمنان راستین تنها کسانی‌اند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده‌اند و هنگامی که با پیامبر بر سر کاری که مربوط به جامعه اسلامی است گرد آمده‌اند، پیش از آن که از او اجازه بگیرند از نزد وی بیرون نمی‌روند.
- مراد از امر جامع همان مسائل جمعی نظام است مانند نماز جمعه، حضور در انتخابات؛ تأیید

رهبری و مسئولان اسلامی و... اطلاق و سیاق آیه تنقیح مناط آن زن و مرد را یکجا شامل می‌شود و این حکم را برای هر دو لازم شمرده است. عبدالله، جوادی آملی، پیشین، ص ۲۳۹



منابع

۱. ابن ابی الحدید (بی تا)، *شرح نهج البلاغه*، قم: دار الارشاد الحدیث، بی جا.
۲. احسائی، ابن ابی جمهور، (۱۴۰۵ ه. ق)، *عوالی الآلی*، قم: انتشارات سید الشهداء (ع).
۳. ارسطا، محمد جواد، «زن و مشارکت سیاسی (۱)»، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم سیاسی، تهران، شماره اول، ۱۳۷۷
۴. آشوری، داریوش، *دانشنامه سیاسی*، تهران، چاپ گلشن، چاپ چهارم، ۱۳۷۶
۵. آقابخشی، علی و مینو افشاری، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران، نشر چاپار، چاپ اول، ۱۳۷۹
۶. آیتی، محمد ابراهیم، *تاریخ پیامبر اسلام*، قم، انتشارات دارالفکر، چاپ اول، ۱۳۸۶
۷. تقوی، سید ناصر، «تاثیر انواع مشروعیت در مشارکت سیاسی»، فصلنامه حکومت اسلامی، قم، شماره دوم، ۱۳۸۰
۸. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، *ترمینولوژی حقوق*، تهران، چاپ احمدی، چاپ هشتم، ۱۳۷۶
۹. جوادی آملی، عبدالله، *زن در آئینه جلال و جمال*، قم، اسراء، چاپ نهم، ۱۳۸۳
۱۰. *حق و تکلیف در اسلام*، قم، اسراء، چاپ دوم، ۱۳۸۵
۱۱. جوان آراسته، حسین، *حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام*، قم، دفتر نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۸۴
۱۲. حاجی صادقی، عبدالله، *فلسفه و نظام سیاسی اسلام*، قم، انتشارات زمزم هدایت، چاپ اول، ۱۳۸۳
۱۳. حسینی دشتی، سید مصطفی، *معارف و معاریف*، قم، حجت، چاپ دوم، ۱۳۷۶
۱۴. حسینی، سیدحسین، *سراج (نگاهی گذرا به شبهات حقوقی پیرامون مسائل زنان)*، تهران، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، چاپ دوم، ۱۳۸۰
۱۵. حسینی، موسی، «دیدگاه قرآن درباره مشارکت سیاسی زنان»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ش ۲۶ - ۲۵، ۱۳۸۰
۱۶. خامنه‌ای، سید محمد، *حقوق زن*، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۵
۱۷. دل شاد تهرانی، مصطفی، *عارض خورشید، مقدمه‌ای بر اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۰
۱۸. دهخدا، علی‌اکبر، *لغت نامه*، تهران، چاپخانه‌ی انتشارات دانشگاه تهران، آذر ۱۳۴۰

۱۹. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، *إرشاد القلوب*، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ ه. ق
۲۰. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن علی بن فضل، *المفردات فی غریب القرآن*، ترجمه سید غلامرضا حسینی خسروی، تهران، مرتضوی، ۱۳۸۳
۲۱. روحانی، طاهره، *زنان دین گستر در تاریخ اسلام*، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲
۲۲. رئوف، هبه، *مشارکت سیاسی زن، دیدگاه اسلامی*، ترجمه محسن آرمین، تهران، نشر قطره، چاپ اول، ۱۳۷۷
۲۳. سجادی، سید جعفر، *فرهنگ معارف اسلامی*، تهران، انتشارات کومش، چاپ سوم، ۱۳۷۳
۲۴. سعیدیان، عبدالحسین، *دایره المعارف بزرگ نو*، تهران، انتشارات علوم زندگی و آرام، چاپ اول، ۱۳۸۵
۲۵. شجاعی، زهرا، *برای زنان فردا (مجموعه مقالات)*، تهران، انتشارات سوره مهر، چاپ اول، ۱۳۸۳
۲۶. شعبانی، قاسم، *حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران*، تهران، اطلاعات، چاپ بیست و دوم، ۱۳۷۳
۲۷. شعیری، تاج الدین، *جامع الأخبار*، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۳۶۳
۲۸. صرامی، سیف الله، *حق، حکم و تکلیف*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۵
۲۹. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی بن احمد، *منیة المرید*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۹ ه. ق
۳۰. عبدالرحمن، محمود، *معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهیه*، بی جا، بی تا
۳۱. عمیدزنجانی، عباسعلی، *فقه سیاسی*، تهران، چاپخانه ی سپهر، چاپ دوم، ۱۳۶۷
۳۲. عمید، حسن، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، چاپخانه سپهر، چاپ نهم، ۱۳۷۲
۳۳. فراس، ورام بن ابی، *مجموعه ورام*، قم، انتشارات مکتبه الفقیه، بی تا
۳۴. فرهیخته، شمس الدین، *فرهنگ فرهیخته*، تهران، انتشارات زرین، چاپ یکم، ۱۳۷۷
۳۵. فیرحی، داوود، «مفهوم مشارکت سیاسی»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی، تهران، شماره اول، ۱۳۷۷
۳۶. قاضی زاده، کاظم، «زنان و مسئولیت‌های اجرایی در سطح کلان»، پیام زن، تهران، ش ۱۱، ۱۳۸۳
۳۷. قاضی زاده، کاظم، *اندیشه فقهی - سیاسی امام خمینی (ره)*، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، چاپ اول، ۱۳۷۷
۳۸. قاضی شریعت پناهی، سید ابوالفضل، *بایسته‌های حقوق اساسی*، تهران، نشر میزان،

- چاپ سی و سوم، ۱۳۸۸
۳۹. قائمی، علی، *زندگانی حضرت زینب (س)*، تهران، انتشارات امیری، چاپ سوم، ۱۳۷۶
۴۰. قربانی، زین العابدین، *اسلام و حقوق بشر*، بی جا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۶۷
۴۱. قرشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، طهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۶۷
۴۲. کاتب واقدی، محمد بن سعد، *طبقات*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، فرهنگ و اندیشه، چاپ اول، ۱۳۸۲
۴۳. کلینی، ابوجعفر محمد یعقوب، *اصول کافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۰۷. ه. ق
۴۴. کوشکی، محمدصادق، *تأملاتی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹
۴۵. مارتین لپست، سیمور، *دایره المعارف دموکراسی*، ترجمه کامران فانی و نورالله مرادی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم، ۱۳۸۳
۴۶. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، ترجمه محمد جواد نجفی، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۰
۴۷. محمد فقی رسول، محمد جمال، *زن در اندیشه اسلامی*، ترجمه محمود ابراهیمی، تهران، نشر احسان، چاپ اول، ۱۳۸۳
۴۸. مدنی، سید جلال الدین، *مبانی و کلیات علوم سیاسی*، بی جا، نشر علامه طباطبایی، چاپ دوم، ۱۳۷۴
۴۹. مرتضوی، سید محمد، *حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام*، مشهد، یوسف فاطمه، چاپ اول، ۱۳۸۷
۵۰. مصباح یزدی، محمد تقی، *حقوق سیاست در قرآن*، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۷
۵۱. مقیمی، غلامحسین، «سیاست، رمز گشایی از یک مفهوم پر ابهام»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، قم، شماره ۲۹، ۱۳۸۴
۵۲. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، *صحیفه نور*، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸
۵۳. نبوی، سید عباس، «جامعه آرمانی»، *دانشنامه امام علی (ع)*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۲
۵۴. نوری، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق
۵۵. ورعی، سید جواد، *حقوق و وظایف شهروندان و دولت مردان*، قم، دبیرخانه مجلس خبرگان چاپ ۱